

## درآمدی بر روش‌شناسی و چیستی ارزش‌های متعالی انسان در قرآن کریم

### چکیده

دغدغه دستیابی به معنا و ماهیت زندگی و در پی آن تفهیم معنای زندگی، یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های اصیل همه انسان‌ها در طول تاریخ بوده است. پرسش از معنای زندگی و چیستی ارزش‌های متعالی آن، یکی از پرسش‌های اساسی و بنیادینی است که در هر دوره‌ای از تفکر بشری به نحوی مطرح شده و پاسخ‌های مختلفی به آن داده شده است. در این مقاله تلاش شده با مبنا قرار دادن قرآن کریم به عنوان اصلی‌ترین منبعی که می‌تواند زندگی را برای همه انسان‌ها معنا کند، به معرفی روشی جهت شناسایی مهم‌ترین ارزش‌های متعالی مطرح شده در دین اسلام پرداخته و از این رهگذر، مهم‌ترین ارزش‌های متعالی دین اسلام برای معنایابی زندگی را تبیین کنیم. به عقیده مؤلفین، خداوند متعال، مهم‌ترین ارزش‌های متعالی برای یک انسان قرآنی را با فرمول «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ...» و «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ...» بیان نموده و مؤلفه‌های مطلوب و نامطلوب (مثبت و منفی) زندگی را معرفی نموده است. لذا به منظور شناسایی دقیق ابعاد و ارکان هر کدام از این مؤلفه‌ها، با استفاده از روش «تحلیل محتوا» به تحلیل همه این آیات پرداخته شده و دو مورد از مهم‌ترین آنها به عنوان نمونه، تحلیل کیفی و توصیفی شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد مؤلفه‌هایی همچون: احسان، تقوا، قسط، طهارت، توبه، صبر، توکل و جهاد از جمله ارزش‌های مثبت انسانی و کفر، تجاوز، فساد، غرور، خیانت، ظلم، گناه، اسراف، عدم رعایت آداب معاشرت، تکبر، رفاه‌طلبی و غیبت از جمله ارزش‌های منفی انسانی هستند که مجموع آنها، ارزش‌های متعالی دین اسلام برای معنایابی زندگی انسان را تشکیل می‌دهد.

### کلیدواژگان:

قرآن کریم، ارزش‌های انسانی، معنای زندگی، ارزش‌های متعالی دین اسلام، روش تحلیل محتوا.

The Holy Quran, Human Values, Meaning of Life, Transcendent Values of Islam, Content Analysis Method.

## مقدمه

دغدغه دستیابی به معنا و ماهیت زندگی و در پی آن ترسیم ارزش‌های متعالی دین اسلام یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های اصیل آدمی بوده است به‌گونه‌ای که می‌توان گفت پرسش از معنای زندگی یکی از پرسش‌های اساسی و بنیادینی است که در هر دوره‌ای از تفکر بشری به نحوی مطرح شده است (علیزمانی، 1386، ص 64). بر این اساس، به‌منظور ترسیم ارزش‌های متعالی اسلام، لازم است ابتدا با تبیین این مطلب که «خدامحوری» در زندگی انسان به چه معنا است، به سراغ قرآن کریم و سنت اسلامی رفته و با توجه به مضامین و محتوای مندرج در آیات و روایات، مؤلفه‌های بنیادین و بایدها و نبایدهای معنای زندگی اسلامی را از این منابع اصیل اسلامی استخراج نمود. آنچه از مجموع این منابع برداشت می‌شود آن است که ساختار ارزش‌های متعالی اسلام به‌واسطه شناسایی ویژگی‌های انسان محبوب قرآنی قابل تحقق است. بدیهی است منظور از «انسان محبوب قرآنی» همانا انسانی است که در چارچوب زندگی اسلامی رشد کرده و عنوان خلیفه الهی یافته است. در این مقاله مبنای مؤلفین در استخراج ارزش‌های متعالی دین اسلام از منظر قرآن کریم، پرداختن به کلیدواژه «حُبِّ» در قالب آیاتی است که با عبارت «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ...» و «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ...» به بیان ویژگی‌ها و خصائصی می‌پردازد که در نزد خداوند به‌عنوان ویژگی‌های مطلوب و یا نامطلوب یک انسان معرفی شده و در حقیقت مقدمات و موانع وصول به مرتبه انسان قرآنی یا ارزش‌های متعالی دین اسلام را بیان می‌کنند. بررسی این آیات نشان می‌دهد که خداوند متعال 8 شاخصه را به‌عنوان مؤلفه‌های مثبت زندگی انسان و 12 شاخصه را نیز به‌عنوان مؤلفه‌های منفی زندگی انسان‌ها معرفی نموده است. اعتقاد مؤلفین آن است که این 20 شاخصه، مؤلفه‌های مثبت و منفی (مطلوب و نامطلوب) زندگی انسان‌ها بوده که در این میان، مؤلفه‌های مثبت به‌عنوان بایسته‌ها، همان ارزش‌های متعالی دین اسلام برای معنایابی زندگی انسان‌هاست.

### 1. رابطه معنای زندگی با ارزش‌های متعالی زندگی انسان

چنانکه در مقدمه توضیح داده شد، منظور از انسان محبوب قرآنی، انسانی است که اعمال و رفتار وی مورد رضایت خداوند بوده و سبک زندگی او برگرفته از مضامین مندرج در قرآن کریم و سیره انبیاء الهی باشد. به همین منظور با استفاده از این نگاه به شناسایی ارزش‌های متعالی اسلام بر مبنای مؤلفه‌های انسان محبوب قرآنی پرداخته و تلاش شده تا الگویی جامع در این زمینه ارائه شود. ترسیم معنای زندگی در راستای تبیین ماهیت زندگی و تفهیم آن در افق برتر از عالم ماده، امری طبیعی و سابقه‌دار است، به‌گونه‌ای که می‌توان در میان نخستین مکتوبات فلسفی، نشانه‌های پرداختن به این موضوع را مشاهده کرد. در طول تاریخ نیز مشاهده شده که یکی از مهم‌ترین سؤالات اساسی هر انسانی در جهان هستی، یافتن تعریفی برای ماهیت و هدف زندگی خود بوده تا در پی آن سبک زندگی خود را تنظیم کرده و بدین صورت زندگی خود را هدف‌دار کند.

برخی هدف غایی از زندگی خود را در عالم طبیعت دنبال کرده و برخی دیگر با توجه به مکاتب جدید اخلاقی، کوشیده‌اند تا با در نظر گرفتن ارزش‌های متعالی و غایی برای انسان، گونه‌ای خاص از زندگی را برای او ترسیم نمایند که تنها در چارچوب جهان ماده قابلیت تحقق پیدا می‌کند. در این میان برخی دیگر از مکاتب پیرو ادیان آسمانی با تمسک به معنویت‌گرایی و فرا رفتن از عالم ماده، تلاش کرده‌اند ماهیت و هدف از زندگی انسان را در «خدامحوری» به تصویر کشیده و این مطلب را تبیین کنند که اگر خدا از زندگی انسان کنار گذاشته شود و در فعالیت‌های او حضور نداشته باشد، زندگی

بدون هدف خواهد بود و لذا نمی‌توان سبک و سیره‌ای خاص برای نوع زندگانی او نیز تصور نمود.

در نهایت باید گفت که دغدغه دستیابی به معنا و ماهیت زندگی، یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های اصیل آدمی بوده است. لذا صرف‌نظر از این مسئله که پرسش از معنای زندگی متعلق به کدامین حوزه فلسفی است، (فلسفه اخلاق یا فلسفه دین یا انسان‌شناسی یا ...) می‌توان این پرسش را از پرسش‌های اساسی و بنیادی فلسفی دانست که در هر دوره‌ای از تفکر فلسفی به نحوی مطرح شده است (علیزمانی، 1386، ص 64).

البته باید توجه داشت که تا مبانی انسان‌شناختی یک مکتب دینی یا فلسفی روشن نگردد، یافتن پاسخ هدف و معنای زندگی انسان‌ها در آن مکتب، کاری عبث و فاقد مبناست، زیرا تا چستی و هویت انسان و جایگاه او در عالم روشن نگردد، نمی‌توان به پرسش از کیفیت و نوع معیشت و زندگانی او پرداخت. با این پیش‌فرض، زندگی به‌عنوان حیاتی واحد و به هم پیوسته تعریف می‌شود که همه اجزای آن (البته اگر بتوان جزئی برای آن فرض کرد) در نسبت با ماهیت و هدف آن حیات واحد لحاظ شده‌اند. البته باید توجه کرد که خود زندگی از آن جهت که مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و رویدادهاست، نمی‌تواند دارای هدف باشد، بلکه این هدف و غایت از آن کسی است که واجد و درگیر در زندگی است. به عبارت دیگر، انسانی که زندگی می‌کند و تجربه زندگی را از سر می‌گذراند، می‌تواند هدف یا اهدافی برای زندگی خود انتخاب و گزینش کند و بر این اساس، نوع زندگانی خود را چینش نماید (ملکیان، 1385، ص 209).

برخی نیز با تعریف زندگی به‌نوعی ارزش حیات قائل شدن برای انسان معتقدند تا زمانی که این ارزش برای انسانی وجود داشته باشد، وی صلاحیت و شایستگی زندگی داشته و به‌محض از دست دادن این صلاحیت‌ها، فاقد ارزش شناخته شده و نظام خودکار طبیعت نعمت زندگی را از وی سلب می‌کند. در این رویکرد آنچه مهم است، کارکردهای زندگی یک انسان می‌باشد، نه هدف و یا سبک زندگی او (Heidegger, 1962, p236).

به عبارت دیگر انسان تنها موجودی است که کارکردهای وجودش برای او مسئله است، لذا در چرخه طبیعت می‌بایست به دنبال کشف کارکردها و سودمندی‌های انسان بوده و طبیعی است مادامی که انسانی از نعمت حیات و زندگانی برخوردار باشد، قطعاً سیستم هوشمند طبیعت کارکردهای مفیدی را (بالقوه یا بالفعل) در وی مشاهده کرده است (Quinn, 2000, p53).

برخی دیگر «زندگی» را به‌عنوان همه حیطه‌های فردی و اجتماعی در مقطع خاصی از زمان در نظر گرفته که می‌بایست در خصوص آن قضاوتی واحد و یکپارچه داشت (کجباف و دیگران، 1390، صص 61-74). بر اساس این رویکرد، یکی از نشانه‌های اساسی و بنیادین حیات و زندگی انسان، پرسشگری او از ماهیت هستی خود و جایگاه و کارکردهای خود در عالم هستی است. بنابراین زندگی انسان، در یک نسبت سه‌گانه با انسان، عالم هستی و جایگاه و کارکردهای وی در طبیعت، روشن و آشکار می‌گردد.

## 2. چستی ارزش‌های متعالی انسان

چنانکه ذکر شد مبنای مؤلف در استخراج ارزش‌های متعالی اسلام از منظر قرآن کریم، پرداختن به کلیدواژه «حُبُّ» در قالب آیاتی است که با عبارت «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ...» و «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ...» به بیان ویژگی‌ها و خصائصی می‌پردازد که در نزد خداوند به‌عنوان ویژگی‌های مطلوب و یا نامطلوب یک انسان معرفی شده و در حقیقت مقدمات و موانع وصول به مرتبه انسان قرآنی یا سبک زندگی اسلامی را بیان می‌کنند.

حُب در لغت، مصدر فعل «حَبَّ يَحِبُّ» است که به معنای لزوم و ثبات، دوستی و کشش نفس به سوی چیزی خواستنی است و این معنا از همان لزوم و ثبات اخذ شده است (طریحی، ۱۳۶۲ش، ص ۷۴۵). در مقابل حب، بغض به معنای دشمنی و تنفر از چیزی است که مورد پسند انسان نباشد. (ابن فارس، ). در قرآن کریم حب و مشتقات آن ۸۲ بار و البغضاء، که تنها شکل به کار رفته از ماده بغض است، ۵ بار به کار رفته است (عبدالباقی، ۱۳۶۴، ص ۷۸ و ۵۴).

برای مفهوم حُب، معانی مختلفی بیان شده است مانند: ۱- نتیجه و ثمره دل و خاطر، ۲- مرکز و سویدای دل، ۳- تکهای از خون سیاه در وسط قلب، ۴- جایگاه محبت و دوستی یا مرکز وجود، ۵- ردیف ریز دندان‌ها که تشبیهی از دانه‌های ریز غلات و سبزی‌ها است. با این حال، استعمال واژه «حُبَّ» به معنی محبوب و به شدت دوست داشتنی کاربرد بیشتری پیدا کرده و در توصیف چگونگی این دوست داشتن گفته‌اند؛ «معنی آن در اصل این است که در مرکز جان و دل فردی جای گرفتن و قلب و دلش را شیفته خود کردن» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۳۹).

برخی نیز معتقدند محبت، یعنی خواستن و تمایل به چیزی که آدمی آن را خیر می‌پندارد، لذا محبت را بر سه وجه حمل کرده‌اند: (طبرسی،

۱- محبت برای خرسند شدن و لذت بردن مانند آیه: «يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا» (انسان: ۸).

۲- محبتی که بر پایه بهره‌مندی و استفاده از مواهب و امکانات است، مثل آیه: «وَ أُخْرَى تُحِبُّونَهَا تَضَرُّ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ» (صف: ۱۳).

۳- محبت برای فضیلت و بزرگی، مثل محبت دانشمندان به علم که به خواستن و اراده نیز تفسیر شده مانند آیه: «فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّطَهَّرُوا» (توبه: ۱۰۸).

باید گفت که چنین تفسیری از محبت، تنها در رابطه میان انسان و دیگر موجودات جهان هستی صادق است، و در خصوص نوع محبت خداوند به عنوان خالق هستی به بندگانش درست نیست، زیرا دوستی و محبت خداوند تعالی به بندگان، همانا بخشایش و نعمت دادن به آنها است، در حالی که محبت بنده به خداوند، درخواست تقرب و قِدر و منزلت داشتن نسبت به اوست. لذا اینکه خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» (بقره: ۲۲۲)؛ یعنی توبه کنندگان و پاک شدگان را ثابت و پایدار دارد و نعمتشان دهد و این همان دوستی خداوند است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۳۹).

در این میان علامه طباطبایی معتقد است علت محبت خداوند به بندگان، پذیرش انعام و هدایت اوست: «حب رابطهای است وجودی - و هستی روابط وجودی، خارج از وجود موضوعات خود و تنزلات آن نیست - لذا نتیجه منگیریم که هر چیزی ذات خود را دوست می‌دارد، و چون در سابق گفتیم هر محبی همه متعلقات محبوب خود را نیز دوست می‌دارد، در نتیجه هر چیزی آثار وجودیش را هم دوست می‌دارد. از اینجا معلوم می‌شود که خدای سبحان بدین جهت که خود را دوست می‌دارد، خلق خود را دوست می‌دارد و اگر خلق خود را دوست می‌دارد، بدین جهت است که انعام او را می‌پذیرند و باز اگر خلق خود را دوست می‌دارد، بدان جهت است که هدایت او را می‌پذیرند» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۶۲۲). در هر حال باید گفت که اصل محبت يك جاذبه عمومی است که تمام ذرات موجودات را به هم پیوسته و هر يك را متصل و مرتبط به یکدیگر می‌نماید و مجذوب هم می‌گرداند و اساس خلقت روی همین پایه استوار گردیده و اگر نبود این قوه جاذبه اساس موجودات بهم می‌خورد و شیرازه عالم وجود از هم گسیخته می‌گشت. (امین، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۱۶۴).

حب در اصطلاح، گرایش به سوی چیزی لذت‌بخش و سازگار با طبع و وابستگی خاص میان انسان و کمال اوست که اگر شدت یابد عشق نامیده می‌شود. (غزالی، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۳۱۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، صص ۴۱۰ و ۴۱۱) این انفعال نفسانی تابع ادراک و معرفت است و از شناخت زیبایی‌های ذاتی محبوب یا از احسان وی نشئت

می‌گیرد. (غزالی، 1406ق، ج 4، ص 314؛ ابن عاشور، 1984، ج 3، ص 225) و دارای مراتب شدت و ضعف و دربرگیرنده امور مادی و غیرمادی است. (طباطبائی، 1417ق، ج ۱، ص ۴۱۱). تعلق میان مُحِب و محبوب، باعث کشش انسان به سوی محبوب می‌شود که با رسیدن به آن، نقص وی به کمال تبدیل می‌شود و نیازهای مادی و معنوی‌اش برطرف می‌گردد. (طباطبائی، 1417ق، ج ۳، ص ۱۵۸)

حب الهی موضوع مباحثات کلامی نیز بوده است. غزالی، حب الهی را بالاترین مقام انسانی دانسته که مقام‌های پیشین، نظیر توبه و صبر و زهد، مقدمه آن است و مقام‌ها و درجات بعدی، مانند شوق و انس و رضا، ثمرات و نتایج آن محسوب می‌شود. به عقیده وی سعادتمندترین مردم در آخرت کسی است که در دنیا بیشترین میزان حب الهی را داشته باشد، زیرا درجه لذات انسان‌ها در آخرت متناسب با میزان حب آنان به خداست. (غزالی، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۳۳۳)

در همین سیاق، او حب انسان به غیر خدا را، اگر با حب الهی نسبتی نداشته باشد، ناشی از جهل و قصور در معرفت خدا می‌داند، بنابراین حب پیامبر و دانشمندان و پرهیزگاران را، که خاستگاه آن، حب به خداست، پسندیده می‌شمرد (غزالی، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۳۱۸). وی، سپس اسباب و عوامل پنج گانه حب را در انسان برمی‌شمرد و شرح می‌دهد که چگونه هر یک از این عوامل به حب الهی منجر می‌شود:

(۱) حب ذات از آن رو به حب الهی منتهی می‌شود که خداوند، خالق و وجود دهنده انسان است و کمال و دوام و بقای او از خداست؛

(۲) حب به کسی که به انسان احسان می‌کند، بنابراین انسان به خدا که احسان‌کننده به اوست و با آفریدنش و عطای نعمت‌های بسیار، بیشترین احسان را در حق وی کرده، محبت می‌ورزد؛

(۳) حب به افراد از آن رو که محسن‌اند، سبب حب الهی خواهد بود زیرا خداوند با خلق موجودات و انعام به آن‌ها نیکوکار و محسن به همه آنهاست؛

(۴) حب جمال به حب الهی منجر می‌شود، زیرا خداوند جمال مطلق است؛

(۵) حب ناشی از هم‌سنخی، با این توضیح که از انسان خواسته شده در اکتساب صفات الهی مانند علم و برّ و احسان و مهرورزی به بندگان و سایر مکارم شریعت بکوشد، و این سبب قرب به خدا و به تبع آن محبت الهی می‌شود. از آن بالاتر، خدا در آدمی از روحی دمیده است که درک حقیقت آن بیرون از حدّ عقل است و آدم به اعتبار همین مناسبت، مسجود فرشتگان و شایسته خلافت الهی شده است. این مناسبت و هم‌سنخی، بالاترین پیوند محبت را ایجاد می‌کند. (غزالی، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۳۳۸)

حب، با توجه به متعلق آن، به ممدوح و مذموم تقسیم می‌شود. حب به خدا و دوستان خدا و آنچه انسان را به خدا نزدیک می‌کند ممدوح است و دوست داشتن آنچه مبعوض خداست و چیزی که باعث از بین رفتن محبت خدا یا کاهش آن می‌شود، مذموم است. (غسان ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۳۸-۴۰) علامه طباطبائی نیز در ذیل آیه «رُبَّيْنَ لِلنَّاسِ حُبِّ الشَّهَوَاتِ» (آل عمران: ۱۴) در تبیین محبت مذموم، معتقد است مقصود از حب شهوات، علاقه عادی نیست زیرا اصل علاقه مندی، امری فطری است، بلکه مراد دلدادگی و دوستی شدید دنیاست (طباطبائی، 1417ق، ج ۳، ص ۱۰۶).

### 3. روش شناسایی ارزش‌های متعالی انسان

همانگونه که ذکر شد مبنای مؤلفین در استخراج ارزش‌های متعالی دین اسلام از منظر قرآن کریم، پرداختن به کلیدواژه «حُبِّ» در قالب آیاتی است که با عبارت «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ ...» و «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ ...» به بیان ویژگی‌ها و خصائصی می‌پردازد که در نزد خداوند به عنوان ویژگی‌های مطلوب و یا نامطلوب یک انسان معرفی شده و در حقیقت مقدمات و موانع وصول به مرتبه انسان قرآنی یا ارزش‌های متعالی دین اسلام

را بیان می‌کنند. در این مقاله به منظور تبیین دقیق این مؤلفه‌ها، از یک روش تحقیق میان‌رشته‌ای و متن محور استفاده شده است تا بهترین نتایج به دست آید. در این تحقیق از روش «تحلیل محتوا»<sup>1</sup> برای کشف و شناسایی ارزش‌های متعالی انسان در قرآن کریم استفاده شده است. روش «تحلیل محتوا» روشی علمی برای تفسیر «متن»<sup>2</sup> است و از جمله روش‌های تحقیقی است که در حوزه علوم انسانی و به خصوص در رابطه با زیر رشته‌های علوم سیاسی و علوم اجتماعی کاربرد داشته و به علت این که نتایج به دست آمده از طریق این روش، دارای اعتبار و روایی بالایی می‌باشند، بسیار مورد توجه محققین و پژوهشگران قرار گرفته است. در ذیل به صورت مختصر اطلاعاتی در رابطه با این روش بیان می‌شود.

با رشد جوامع انسانی و توسعه علوم و تکنولوژی، انسان به محدودیت روش‌های تحقیق اولیه در علوم اجتماعی و علوم انسانی پی برده و با تأمل بسیار روش‌های نوینی را ابداع کرد تا بتواند در عرصه پژوهش‌های شناخت روابط انسانی و فرهنگی از پایایی و روایی بیشتری برخوردار باشند.

یکی از مهم‌ترین روش‌های شناسایی و جمع‌آوری داده‌ها (اطلاعات) که با توجه به موضوع، شرایط و هدف این تحقیق کاربرد بیشتری برای محققان داشته است، روش تحلیل محتوا می‌باشد.

لورنس به اردن در کتاب خود با عنوان «تحلیل محتوا» اشاره می‌کند که «تحلیل محتوا در حقیقت فن پژوهش عینی، اصولی و کمی به منظور تفسیر و تحلیل محتوا است و تفکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از قرار دادن اجزای یک متن (کلمات، جملات، پاراگراف‌ها و مانند آن بر حسب واحدهایی که انتخاب می‌شوند) در مقولاتی که از پیش تعیین شده‌اند» (باردن، 1375، ص 29).

در حقیقت تحلیل محتوا در رابطه با متنی معنی پیدا می‌کند که آن متن برای انتقال پیام‌ها و مفاهیم معینی نوشته شده باشد و دارای ماهیتی مشخص باشد؛ لذا تحلیل محتوا در مورد کلمات عامیانه‌ای که دارای مفاهیم ساده بدیهی و مشخصی هستند به کار نمی‌رود. پیام‌هایی که توسط متن منتقل می‌شود می‌تواند دارای معانی مختلفی باشد لذا به واسطه تحلیل محتوا باید معنای اصلی آن پیام را بازشناخت. روش بازشناسی و تحلیل این پیام‌ها کاملاً نظام‌مند بوده و از قوانین و دستورات مشخصی تبعیت می‌کنند لذا آشنا شدن با روش تحلیل محتوا نیز ضروری می‌باشد. تحلیل محتوای متن تاریخچه بسیار قدیمی دارد. با استفاده از این روش برای اولین بار کتب و متون مذهبی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دادند. در سال 1955م مجموعه اشعار شاعری ناشناس تحت عنوان سرودهای صهیون مورد بررسی قرار می‌گیرد چرا که از سانسور دولتی مصون بوده و منجر به تضعیف روحانیت ارتدوکس کلیسای دولتی می‌شود. اهمیت این تحلیل بر سر خطرناک بودن یا نبودن مضمون این اشعار است (باردن، 1375، ص 9).

لاسول، عمده‌ترین کاربرد تحلیل محتوا را، مطالعه ارتباطات به منظور پاسخ دادن به این سؤال قدیمی تحقیق در ارتباطات می‌داند که «چه کسی؟ چه چیزی را؟ به چه کسی؟ چرا؟ چگونه؟ و با چه تأثیری؟ می‌گوید». (کیوی و کامپنهود، 1381، ص 222). به منظور انجام این تحقیق، پس از بررسی انواع فنون روش تحلیل محتوا که در منابع مختلف پیرامون آن بحث شده است، فن «تحلیل محتوای مضمونی» بر مبنای واحد «آیات» انتخاب و جداول تحلیل محتوا بر این اساس تشکیل و سپس مفاهیم جهت‌گیری‌ها و نقش هدایتی هر کدام از آیات استخراج شده است. به عبارت دیگر ابتدا با نگاه تفسیری به هر آیه، گزاره مفهومی و جهت‌گیری آن استخراج و سپس جایگاه و نقش آن مفهوم درج گردیده است. لازم به ذکر است که جهت استخراج

1. Content Analysis

2. Text

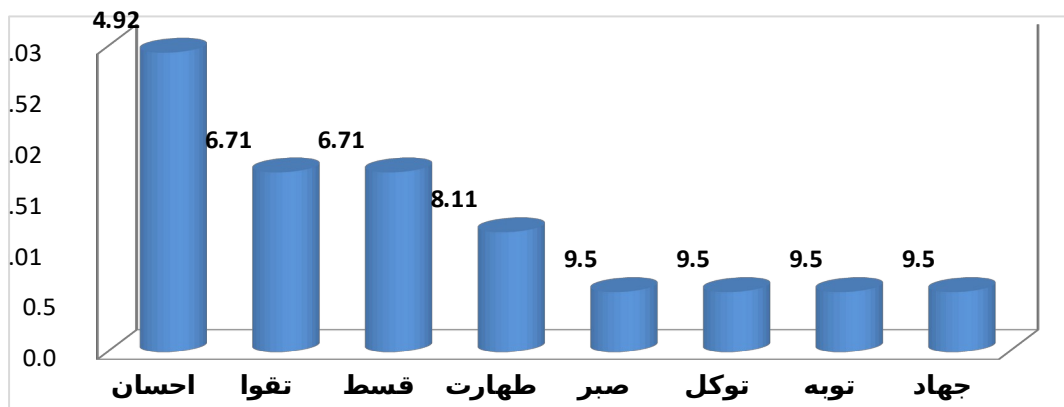
- گزاره‌های مفهومی آیات، به تفاسیر متعددی مراجعه و عناوین بر مبنای آنها استخراج شده است. نهایت اینکه فرایند روش انجام این تحقیق به شرح ذیل می‌باشد:
1. استخراج آیات مشتمل بر کلیدواژه‌های مورد بحث در کل قرآن کریم
  2. استخراج مفاهیم اصلی هر آیه بر اساس مراجعه به تفاسیر مختلف
  3. استخراج جهت‌گیری اصلی هر آیه
  4. دسته‌بندی موضوعی و مفهومی آیات
  5. مقوله‌بندی مضامین و موضوعات اصلی آیات
  6. مدل‌سازی و ارائه نظریه بر اساس نتایج تحقیق.
- در حقیقت این امور 6 گانه، روش تحقیق و عملکرد محققان در این‌گونه پژوهش‌ها را نشان می‌دهد که در ابتدای کار و پس از مطالعه روش تحقیق به صورت اجمالی مشخص شده و در طول تحقیق نیز به صورت تفصیلی، تبیین شده است. در ذیل بخش مختصری از جدول تحلیل محتوای آیات جهت آشنایی با روش و روند تحقیق درج شده است:

**جدول 1. جدول تحلیل محتوای آیات قرآن کریم**


تحلیل محتوای آیات قرآن کریم با کلیدواژه حب نشان می‌دهد که خداوند متعال 8 شاخصه را به عنوان مؤلفه‌های مثبت انسان محبوب قرآنی و 12 شاخصه را نیز به عنوان مؤلفه‌های منفی چنین انسانی نموده است که در واقع بیانگر مؤلفه‌های مطلوب و نامطلوب زندگی هر انسانی بوده و ملاک و معیارهایی هستند که به زندگی انسان‌ها، معنا می‌بخشند. در ادامه به یافته‌های پژوهش پرداخته و نتایج را بیان خواهیم کرد:

- 4. ارزش‌های مثبت زندگی انسان در قرآن کریم**
- خداوند متعال در قرآن کریم 8 مؤلفه را به عنوان مؤلفه‌های مثبت انسان بیان کرده و برای آنها ارزش ویژه‌ای قائل شده است که عبارتند از:
- احسان (بقره: 195 - آل عمران: 134 و 148 - مائده: 13 و 93)
  - تقوا (آل عمران: 76 - توبه: 4 و 7)
  - قسط (مائده: 42 - حجرات: 9 - ممتحنه: 8)
  - طهارت (بقره: 222 - توبه: 108)
  - توبه (بقره: 222)
  - صبر (آل عمران: 146)
  - توکل (آل عمران: 159)
  - جهاد (صف: 4)

که در ذیل نمودار سنجش فراوانی آنها ترسیم شده است:  
**نمودار 1: مؤلفه‌های مثبت زندگی انسان در قرآن کریم**



نمودار فوق بیانگر آن است که به منظور ترسیم یک زندگی معنادار، لازم است حتماً مؤلفه‌های فوق در آن زندگی، نقش تأثیرگذار و تعیین کننده‌ای داشته باشند. بدیهی است که مؤلفه‌های مذکور با عنوان اخلاقیات یا دستورالعمل‌های تربیتی در آیات متعدد قرآن کریم، احادیث اهل بیت (ع) و کلمات بزرگان و اولیاء الهی دائماً بیان شده و ذهن عموم انسان‌های دغدغه مند نسبت به معنا و ماهیت زندگی با این مفاهیم آشناست و نیازی به تعریف ندارند. می‌دانیم که رشد و تعالی اخلاقی و معنوی هر کدام از افراد جامعه بر مبنای مؤلفه‌های مذکور، در نهایت منجر به رشد و تعالی جامعه اسلامی خواهد شد، بنابراین لازم است هشت شاخصه فوق، به صورت جدی مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته و در نهایت به عنوان یک گزاره شخصیتی در وجود افراد نهادینه شود. سنجش فراوانی هر کدام از موارد فوق نیز بیانگر آن است که چه مواردی در اولویت بوده و از اهمیت بیشتری برخوردار است.

#### 4-1. تبیین جایگاه «احسان» در میان ارزش‌های متعالی دین اسلام

از آنجا که در میان مؤلفه‌های مثبت، مؤلفه «احسان» از فراوانی بیشتری برخوردار است، لذا در این مقاله به عنوان نمونه به این مؤلفه مهم پرداخته شده و تحلیلی کیفی و توصیفی از آن ارائه می‌شود تا جایگاه آن به عنوان یکی از مهم‌ترین ارزش‌های متعالی دین اسلام، تبیین گردد.

خداوند متعال در قرآن کریم مکرراً می‌فرماید که «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره: 195 - آل عمران: 134 و 148 - مائده: 13 و 93). می‌دانیم که احسان از جمله صفات و ویژگی‌های شایسته و پسندیده‌ای است که اولاً اختصاص به قشر خاصی از جامعه نداشته و همگان را شامل می‌شود و ثانیاً عمل به آن بیانگر روح بلند و والای فرد محسن است. به رغم کاربرد گسترده این واژه در قرآن کریم، همچنان تصویر و تعریف روشنی از این مفهوم و مصادیق آن در کتب لغوی و تفسیری ارائه نشده است و همین امر باعث شده در مواردی میان اقسام و مصادیق آن خلط شود. بررسی آیات قرآن کریم نشان می‌دهد که احسان متناسب با چگونگی کاربرد آن در سه معنای؛ 1) انجام کار نیک، 2) نیکی کردن به دیگران و 3) انجام کاری به بهترین وجه به کار رفته که دو مفهوم نخست در رابطه بین انسان و خدا و مفهوم سوم تنها درباره خداوند به کار رفته است.

از این روی بازشناسی این مفهوم و تبیین این مسئله که منظور خداوند از بیان صفت «محسن» برای برخی بندگانش چیست و این احسان چه اقسام و مصادیقی دارد، خود پژوهشی خاص را طلب می‌کند، لکن در این مقاله تلاش بر آن است که با بررسی کلیدواژه احسان در قرآن کریم، به شناسایی شبکه مفاهیم مرتبط با آن پرداخته و در نهایت ساختار حاکم بر این صفت متعالی را جهت تبیین راهکارهای وصول به ارزش‌های متعالی اسلام تبیین کنیم.



«احسان» مصدر باب افعال از ریشه «ح س ن» است که متناسب با موارد کاربردش در معنایی؛ زیبایی، خوبی، نیکی، شایستگی، مورد پسند بودن و ... به طور کلی 71 بار در 66 آیه از 28 سوره قرآن به کار رفته است. برخی «حَسَن» را هر اثر بهجت آفرین و شادی بخش که مورد آرزو باشد دانسته و از همین روی واژه «حَسَنَة» را به نعمتی که انسان در جان و تن و حالات انسانی خویش آن را در میابد و از آن مسرور میشود تعبیر کرده‌اند که ضدّ آن «سَيِّئَة» است (راغب اصفهانی، 1412ق، ج 1، ص 490). قرابت معنایی واژه احسان با کلماتی چون «إِنْعَام»، «إِفْضَال» و «بِرٌّ»، واژه پژوهان (ر.ک: عسکری، 1412ق، صص 23 و 548) و مفسران (طوسی، 1387ق، ج 3، ص 14) را بر آن داشته تا به بیان روابط و تفاوت‌های معنایی آنها پردازند، با این حال بیشتر تعاریف ارائه شده به سبب گستردگی مصادیق و نیز عدم تفکیک کامل بین کاربردهای سه گانه آن، جامعیت لازم را ندارند. تعاریفی چون؛ رساندن نفع نیکو و شایسته، ستایش به دیگری (طوسی، 1387ق، ج 2، ص 153 و ج 3، ص 14)، انجام کاری از سر آگاهی و به شکل شایسته (طبرسی، ج 1، ص 248)، انجام کاری با انگیزه خدایی (طباطبایی، 1417ق، ج 4، ص 20 و ج 12، ص 332) از این جمله هستند. با این حال اکثراً معتقدند «احسان» بر دو گونه عمل اطلاق می‌شود: 1) بخشش و انعام بر غیر و دیگران و 2) احسان در کار و عمل به این معنی که کسی علم نیکویی را بیاموزد یا عمل نیکی را انجام دهد. بر این اساس مفهوم احسان، از انعام و افضال وسیع‌تر و عموم‌تر است، لذا علمای لغت احسان را بالاتر از عدل دانسته‌اند. زیرا عدل یعنی انصاف دادن، به این معنی که به چیزی یا حقی که کم است، افزوده میشود و اگر زیاد هست، گرفته میشود ولی احسان چیزی است که بیشتر از آنکه لازم است داده میشود و کمتر از آنکه بایست گرفته میشود (الوسی، 1415ق، ج 16، ص 48؛ قرشی، 1371، ج 2، ص 135).

در نهایت از مجموع آیات قرآن و اقوال مفسرین در این رابطه به دست می‌آید که مؤلفه‌های مهمی چون ایمان، انگیزه و نیت الهی داشتن (حَسَن فاعلی)، نیک بودن ذاتی کار (حَسَن فعلی)، شکل شایسته کار (هیات صدور) و رساندن خیر به دیگران، در مفاهیم اصلی احسان وجود دارند (میکارم شیرازی، 1375ش، ج 2، ص 40). بی‌تردید کوشش بشر برای ساختن آینده‌ای بهتر، کوششی شرافتمندانه است، ولیکن هرگاه که این کوشش بر اساس جلب منافع و چپاول دیگران باشد، امری مردود است، زیرا به کشاکش و نابکاری منتهی میشود. از این جاست که قرآن کریم یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی و الهی را، احسان کردن دانسته است، بدین معنا که افراد جامعه اسلامی از يك سو به کسب مال پردازند و از سوی دیگر، از آنچه به دست آورده‌اند، بخشی را به دیگران ببخشند، تا مقدمات طی مسیر کمال برای همگان در جامعه فراهم باشد.

لذا باید گفت احسان، چیزی است که میان انسان و دیگران رابطه برقرار میکند و سبک زندگی او را متحول می‌سازد. در حالی که اگر احسان در سبک زندگی جامعه، حکم‌فرما نباشد و هر کس فقط به منافع مادی خود بیندیشد و تنها به فکر خود باشد (آمانیست‌گرایی)، در این صورت جامعه توان لازم برای طی مسیر تمدن‌سازی و حرکت به سمت کمال را نخواهد داشت و مضمحل خواهد گردید. لذا به‌منظور رشد و تعالی خود و جامعه که در حقیقت همان برخورداری از لطف و رحمت پروردگار می‌باشد، لازم است که به دیگران نیکی و احسان کرده و از آنچه حاصل میکنیم، چیزی را در راه خداوند انفاق نماییم (مترجمان، 1377ش، ج 10، ص 99).

تأمل در آیات قرآن کریم بیانگر آن است که احسان از نظر فاعل، دو نوع است: احسان خداوند به انسان و احسان انسان نسبت به دیگران. مواردی همچون خلقت جهان هستی به بهترین وجه شایسته (سجده: 7) از جمله مصادیق احسان خداوند به انسان می‌باشند، ولیکن موارد احسان انسان نسبت به دیگران به گونه‌های مختلفی قابلیت تقسیم دارد که بدین شرح است:

#### 4-1-1.

#### احسان اعتقادی

در برخی آیات قرآن، اموری همچون ایمان به خدا، رسول، قرآن، انتظار درک زمان پیامبر، آرزوی گرویدن به مؤمنان و ... از مصادیق افعال محسنین شمرده شده است. این احسان که انجام کار نیک در حوزه ارتباط شناختی، عاطفی و رفتاری انسان با خداوند متعال است، در ضمن جداول تحلیل محتوا، به عنوان احسان اعتقادی ثبت شده و موارد ذیل برخی از موارد آن می‌باشند:

- اظهار علاقه به شناخت حق و قرآن (مائده: 82)
  - ایمان به خداوند (زمر: 39 - 58)
  - عدم خودبرتر بینی به هنگام انجام کار نیک (مائده: 82 - زمر: 59)
  - عبادت و استغفار در سحرگاهان (ذاریات: 15)
  - تعبد و تسلیم بی چون و چرا در برابر امر خداوند (بقره: 58 - صافات: 37 و 103)
  - لزوم پایداری در راه خداوند و تسلیم نشدن در برابر سختی‌های راه خداوند (آل عمران: 3 و 146 - اعراف: 56)
  - استعانت از خداوند در پیروزی بر دشمن (36)
  - طلب ثواب آخرت و نعمت‌های آن از جمله مغفرت (37)
  - انجام صحیح اعمال و عبادت (ملک: 2 - کهف: 30 - لقمان: 22 - زمر: 10)
  - پرهیز از ظلم به نفس و طلب مغفرت از خداوند (اعراف: 161 و 162)
  - ایمان به خدا و کتب آسمانی (بقره: 122 - احقاف: 12 - صافات: 79 تا 81 و 109 تا 111 و 120 تا 122 و 130 تا 132)
  - اعتقاد به معاد و آخرت گرایانه زیستن (احزاب: 29 - لقمان: 3)
- تحلیل مجموع مضامین مستخرج از آیات فوق بیانگر آن است که چگونه از منظر قرآن کریم، افزون بر قرار گرفتن هر دو حوزه ارتباط با دیگران و ارتباط با خدا در دایره مفهومی احسان، این دو حوزه به شدت از همدیگر تفکیک ناپذیر هستند و این همان الگوی درست ارزش‌های متعالی اسلام است. الگویی که نحوه صحیح برقراری ارتباط با دیگران، خود، خالق و همچنین نحوه نگرش به حوادث جهان هستی را تبیین می‌نماید تا مؤمنان راستین در هنگام شکست و ناکامی در مبارزه با دشمنان خدا، ریشه عملکرد ناصواب خویش را شناسایی کرده و از سوی دیگر بدون ناامید شدن، با تصحیح رفتار خویش و استعانت از خدا، در راه دین او پایداری کنند.

#### 4-1-2.

#### احسان مذهبی

گونه‌ای دیگر از احسان در قرآن کریم، انجام کار نیک در حوزه ارتباطی انسان با دین و رهبران الهی است که در ضمن آن تلاش شده مؤلفه‌های ارتباطی یک انسان مسلمان با دین و پیامبران و رهبران الهی تبیین و جایگاه آن در زمینه تبلیغ باورها و ارزش‌های توحیدی، دفاع از دین در برابر دشمنان و تحمل انواع فشارها تحلیل شود. موارد ذیل از جمله عناصر این مؤلفه مهم به عنوان یکی از ارزش‌های متعالی دین اسلام است:

- دعوت به باورها و ارزش‌های توحیدی (صافات: 131، 80 و 121)
- تحذیر مردم از کفر و شرک (صافات: 37 - 124 - 131)
- یاری پیامبران الهی در مبارزه با دشمنان (توبه: 120)
- پایداری در راه دین (نحل: 16 و 127 - هود: 11 و 115)
- تحمل سختی جهاد در راه دین (توبه: 120 - هود: 11 و 115)
- داشتن انگیزه کمک به دین (توبه: 91)
- داشتن انگیزه جهاد (نظامی، فرهنگی، علمی و ...) (عنکبوت: 29 و 69)

- پایداری در راه دین و رعایت تقوا (آل عمران: 172 - مرسلات: 44 - یوسف: 56 و 90 - حج: 37)

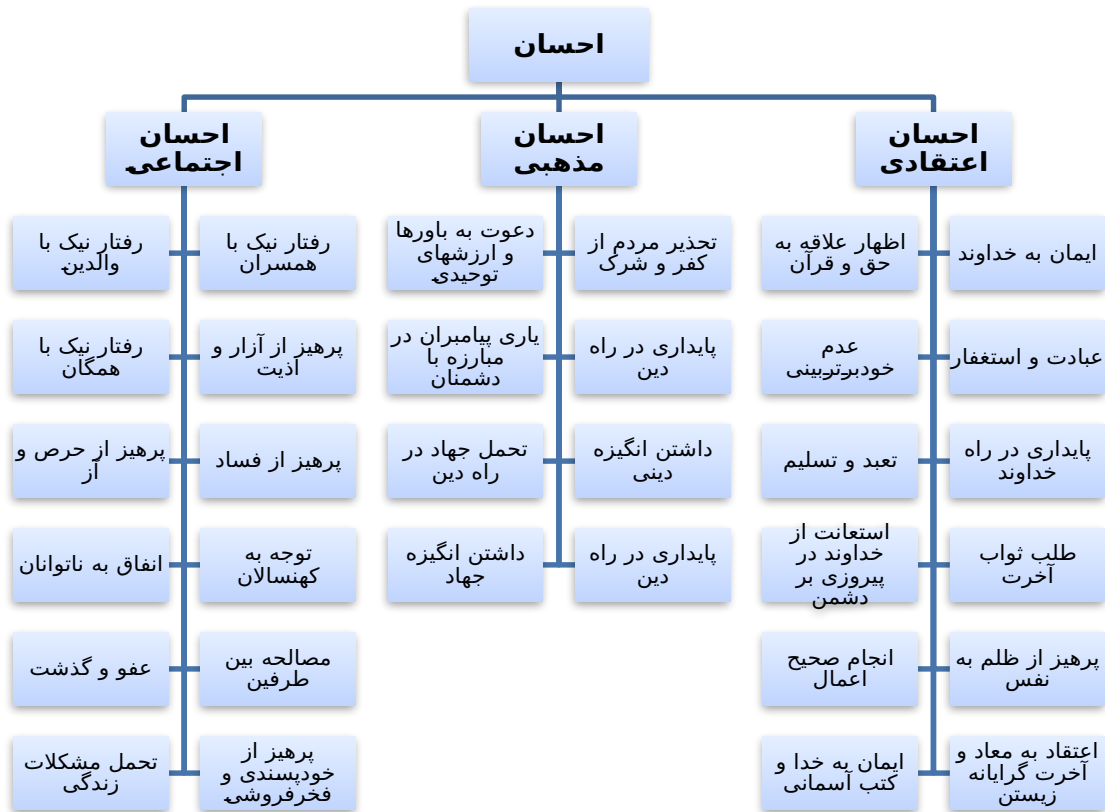
تحلیل این مجموعه از آیات نیز نشان می‌دهد که تلاش قرآن کریم بر آن است تا با گسترش قلمرو احسان در حوزه رفتار، عواطف و گفتار، به معرفی الگوها و راهکارهایی برای معرفی ارزش‌های متعالی دین اسلام پرداخته و بدین وسیله جامعه‌ای اسلامی در راستای صیانت از دین اسلام تشکیل دهد.

### 4-1-3. احسان اجتماعی

از منظر قرآن کریم، رشد جامعه اسلامی منوط به همراهی و همدلی همه افراد آن جامعه با یکدیگر است که یکی از راه‌های وصول به آن، احسان به همدیگر می‌باشد. در این رابطه آیات قرآن با بیان برخی از مؤلفه‌های راهبردی و الگوهای مناسب تلاش کرده در این زمینه الگوسازی کند که آیات ذیل مصادیقی از این الگو هستند:

- رفتار نیک با والدین (بقره: 83 - نساء: 36 - انعام: 6 و 151 و ...)
  - رفتار نیک با همسران (بقره: 229 - بقره: 236 - نساء: 128)
  - رفتار نیک با همگان (عمل صالح) (نساء: 124 - لقمان: 22)
  - پرهیز از آزار و اذیت دیگران (آل عمران: 133)
  - پرهیز از حرص و آز (نساء: 128 - بقره: 178)
  - پرهیز از فساد (اعراف: 56 - نجم: 31 - نحل: 90)
  - انفاق به ناتوانان و تنگ‌دستان (آل عمران: 4 - لقمان: 2 - ذاریات: 19 - قصص: 28 و 76)
  - توجه به کهنسالان و بینوایان (یوسف: 78)
  - عفو و گذشت حتی نسبت به اهل کتاب (مائده: 5 و 13)
  - برقراری رابطه مصالحه بین دو طرف درگیر (نساء: 62)
  - صبر و تحمل مشکلات زندگی (یوسف: 15 و 22 و 90)
  - پرهیز از خودپسندی و فخر فروشی و بخل در جامعه (نساء: 36 و 37)
- علامه طباطبایی احسان را خوب انجام دادن امور محوله به انسان می‌داند و در تفسیر خود می‌نویسد: «منظور از احسان این است که هر عملی که انجام می‌دهند، خوب انجام دهند، اگر قتال میکنند به بهترین وجه قتال کنند، و اگر دست از جنگ برمیدارند، باز به بهترین وجه دست بردارند و اگر عفو میکنند به بهترین وجهش باشد و اصولاً غرض نهایی از همه مبارزات و جنگ‌ها و سایر واجبات دین، محبت خداست که بر هر متدینی واجب است آن محبت را از ناحیه پروردگارش به وسیله پیروی و متابعت از رسول خدا (ص) جلب کند». (طباطبایی، 1417ق، ج 2، ص 94)
- در نهایت از تحلیل مجموعه آیات قرآن کریم این‌گونه برداشت می‌شود که «احسان» عبارت است از انجام دادن هر عملی به وجه حسن و بدون عیب، هم از جهت استقامت و ثبات، و هم از جهت اینکه جز برای خدا نبوده باشد (طباطبایی، 1417ق، ج 4، ص 29) و این صفت، از جمله صفات پسندیده و لازم متقین بوده چرا که احسان به خلق و دیگران، زمانی در نزد خداوند دارای منزلت است که برای رضای او انجام شده باشد.
- در نهایت بررسی مصادیق فوق نشان می‌دهد که قرآن کریم تلاش داشته با توجه به آشنایی کامل اعراب عصر نزول با مفهوم احسان، این کلمه را که بیشتر در قلمرو روابط انسانی به کار می‌رفته، به حوزه معنایی نسبتاً جدیدی منتقل کرده (ر.ک: اسدی، 1389، ص 34؛ مصطفایی و غروی نائینی، 1389، ص 76) و در چارچوب‌های اعتقادی، اخلاقی و گفتاری گسترش داده و بدین صورت ارزش‌های جدیدی مبتنی بر احسان را در جامعه اسلامی بنا کند. مدل ذیل بیانگر جایگاه احسان در ارزش‌های متعالی اسلام از منظر قرآن کریم است:

## نمودار 2. جایگاه احسان به عنوان مهم‌ترین ارزش مثبت انسانی در دین اسلام



مدل فوق نشان می‌دهد که در میان ارزش‌های متعالی دین اسلام، لازم است در ابتدا فرد در حوزه احسان اعتقادی، به تصحیح اعتقادات و بینش‌ها و جهان‌بینی خود پرداخته، سپس در حوزه احسان مذهبی به تبلیغ و معرفی دین در سطح جامعه پرداخته و در نهایت در حوزه احسان اجتماعی، با نیکی به دیگران و کمک به آنها، مفهوم احسان را در زندگی خود نهادینه کرده و بدین ترتیب هم خود و هم جامعه را در راستای بهبود اعتقادات و نگرش‌ها تقویت نماید. به همین دلیل احسان از منظر خداوند متعال، والاترین و مهم‌ترین ارزش انسانی شناخته شده و مؤلفین نیز به همین دلیل آن را از جمله مهم‌ترین ارزش‌های متعالی دین اسلام می‌دانند.

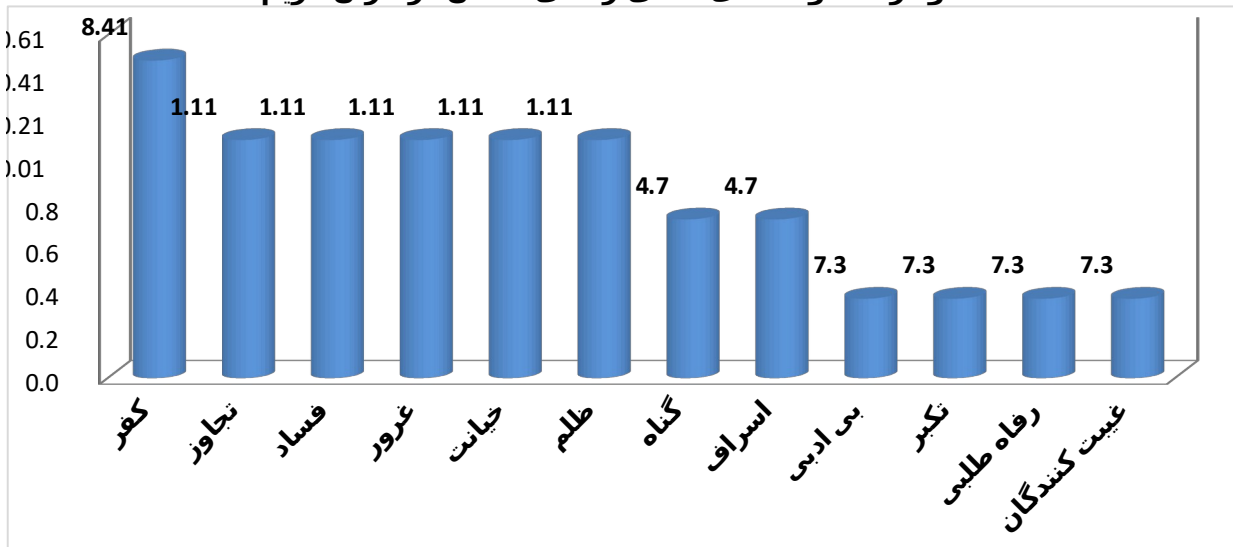
### 5. ارزش‌های منفی زندگی انسان در قرآن کریم

تحلیل محتوای آیات قرآن کریم با کلیدواژه «يُجِبُّ ..» نشان می‌دهد که خداوند متعال 12 شاخصه را به عنوان مؤلفه‌های منفی زندگی انسان‌ها معرفی نموده که عبارتند از:

- کفر (بقره: 279 - آل عمران: 32 - روم: 45 - حج: 38)
- تجاوز (بقره: 190 - مائده: 87 - اعراف: 55)
- فساد (بقره: 205 - مائده: 64 - قصص: 77)
- غرور: (نساء: 36 - لقمان: 18 - حدید: 23)
- خیانت: (نساء: 107 - انفال: 58 - حج: 38)
- ظلم: (آل عمران: 57 - آل عمران: 140 - شورا: 40)
- گناه: (نساء: 107 - بقره: 276)
- اسراف: (انعام: 141 - اعراف: 31)
- عدم رعایت آداب معاشرت: (نساء: 148)
- تکبر: (نحل: 23)
- رفاه‌طلبی: (قصص: 76)

- غیبت: (حجرات: 12)
- نمودار ذیل بیانگر سنجش فراوانی هر کدام از مؤلفه‌های منفی زندگی انسان‌ها از منظر قرآن کریم است:

نمودار 3: مؤلفه‌های منفی زندگی انسان در قرآن کریم



### 5-1. تبیین جایگاه «کفر» در میان ارزش‌های متعالی دین اسلام

همانگونه که در بخش ارزش‌های مثبت، فقط مهم‌ترین آنها به دلیل محدودیت حجم مقاله بررسی گردید، در بخش ارزش‌های منفی نیز مهم‌ترین آنها بررسی خواهد شد. قرآن کریم از «کفر» به عنوان یکی از مؤلفه‌های منفی زندگی انسان‌ها یاد کرده و با بیان عبارت «قَائِلًا لِلَّهِ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ» (آل عمران: 32 - روم: 45) و نیز عباراتی مشابه آن (بقره: 279 - حج: 38) به این مسئله اشاره نموده که لازم است به این مانع مهم در تحقق معنای زندگی انسان توجه شود. «کفر» در لغت پوشیده شدن چیزی است و شب را هم به خاطر اینکه اشخاص و اجسام را با سیاهپوشی می‌پوشاند و زارع را هم که پیوسته بذر و دانه را در زمین مافشانند و در خاک پنهان می‌کنند، با واژه «کافر» وصف کرده‌اند (راغب اصفهانی، 1412ق، ج 4، ص 41). برخی لغت‌شناسان معتقدند واژه کافر به‌طور عموم در مورد کسی که وحدانیت و یگانگی خداوند یا نبوت و دین و یا هر سه را انکار می‌کنند، متعارف و معمول است و بیشتر به کسی گویند که در شریعت و دین اخلاص کند و آنچه را که لازمه شکر بر خداوند است ترک نماید (قرشی، 1371، ج 6، ص 123).

پس از احصاء کلیه آیات متضمن واژه «کفر» از قرآن کریم و درج آنها در جدول تحلیل محتوا، گونه‌های مختلفی برای کفر استخراج شد که به شرح ذیل می‌باشد:

- انکار وحدانیت و شریعت (انبیاء: 94 - اسراء: 27 - اسراء: 89 - اسراء: 99 - روم: 44 - نور: 55 - حجرات: 7 - فتح: 29 - عبس: 42)
- انکار نعمات الهی (بقره: 41 - نمل: 40 - بقره: 152 - آل عمران: 97 - شعراء: 19 - ابراهیم: 7)
- مطلق انکار هر چیز حقی (بقره: 41 - نور: 55 - زخرف: 15 - عبس: 17 - ق: 24)
- انجام اعمال نادرست و مذموم (بقره: 102 - بقره: 276 - حج: 66 - سبأ: 7 - انسان: 3 - زمر: 3 - نوح: 33)
- مانع شدن از فهم حقایق (بقره: 276 - بقره: 161 - نساء: 167 - نحل: 88 - روم: 16)

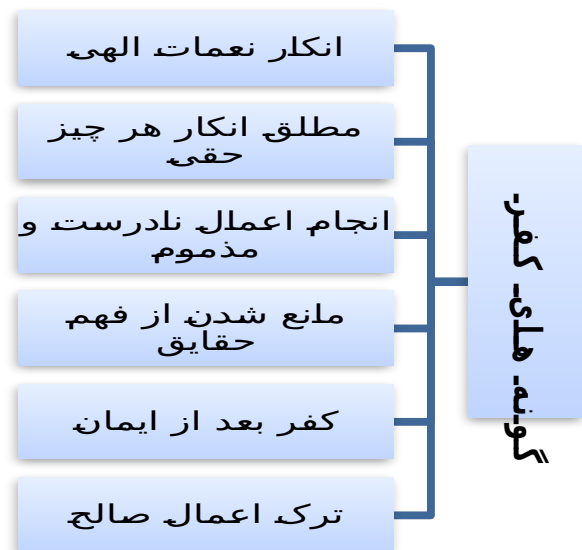
- کفر بعد از ایمان (آل عمران: 72 - آل عمران: 86 - آل عمران: 90 - نساء: 137 - نحل: 106)

- ترک اعمال صالح (بقره: 85 - آل عمران: 97 - ممتحنه: 4)

در خصوص کفر به آیات خداوند باید گفت که این نوع از کفر غیر از کفر به خداوند است، چرا که کفر به خدا عبارت است از التزام به اینکه خدای یگانه‌ای وجود ندارد، همچنان که بت‌پرستان چنین اعتقادی دارند ولی کفر به آیات خدا عبارت است از انکار یکی از معارف الهیه، بعد از ورود بیان و روشن شدن حق مانند اهل کتاب که منکر حقایق از معارف الهیه همچون نبوت پیامبر اسلام هستند. لذا بر این اساس در برخی آیات قرآن اهل کتاب، کافر به نعمات و آیات الهی معرفی شده‌اند (ر.ک: توبه: 29) (طباطبایی، 1417ق، ج3، ص 404).

در نهایت باید گفت که کفر به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های منفی زندگی انسان‌ها در قرآن کریم مطرح شده و گونه‌های مختلفی برای آن متصور شده که نمودار آن به صورت ذیل است:

#### نمودار 4: جایگاه کفر به عنوان مهم‌ترین ارزش منفی انسانی در دین اسلام



#### نتیجه‌گیری

هدف این مقاله، شناسایی ارزش‌ها و ضد ارزش‌های انسانی در قرآن کریم به منظور ترسیم مجموعه ارزش‌های متعالی دین اسلام بوده است. اعتقاد مؤلفین آن است که خداوند متعال، مهم‌ترین ارزش‌های متعالی برای یک انسان قرآنی را با فرمول «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ...» و ضد ارزش‌ها را با فرمول «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ...» بیان نموده و در مجموع مؤلفه‌های مطلوب و نامطلوب (مثبت و منفی) زندگی را بدین وسیله معرفی نموده است.

همچنین در این مقاله تلاش شد روش مناسبی برای شناسایی و تحلیل ارزش‌های انسانی معرفی گردد و به همین دلیل روش «تحلیل محتوا» به عنوان یک روش تحقیق متن محور عینی معرفی گشته و چگونگی کاربست آن در فهم نصوص دینی، توضیح داده شده است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که خداوند متعال در قرآن کریم 8 مؤلفه را به عنوان مؤلفه‌های مثبت زندگی انسان بیان کرده و برای آنها ارزش ویژه‌ای قائل شده است که عبارتند از: احسان، تقوا، قسط، طهارت، توبه، صبر، توکل و جهاد. در این میان، احسان از جایگاه والا و فراوانی بیشتری برخوردار بوده و به همین دلیل گونه‌های سه

گانه احسان اعتقادی، احسان مذهبی و احسان اجتماعی در این مقاله به صورت کیفی، تحلیل و توصیف شده و در نهایت الگوی جامع ارکان و مقدمات و زیرشاخه‌های آن ترسیم گشته است، تا بدین وسیله جایگاه این ارزش انسانی در مجموعه ارزش‌های متعالی دین اسلام تبیین گردد.

همچنین بخش دیگر تحقیق به معرفی مؤلفه‌های منفی زندگی انسان در قرآن کریم پرداخته و 12 مؤلفه ذیل را کشف نموده است که عبارتند از: کفر، تجاوز، فساد، غرور، خیانت، ظلم، گناه، اسراف، عدم رعایت آداب معاشرت، تکبر، رفاه‌طلبی و غیبت. در این بخش نیز به دلیل فراوانی و اهمیت بیشتر مؤلفه کفر بر دیگر مؤلفه‌ها، به تحلیل کیفی و توصیفی آن پرداخته شده و گونه‌های کفر معرفی شده است تا بدین وسیله جایگاه این ضدارزش انسانی در مجموعه ارزش‌های متعالی دین اسلام، تبیین گردد.

### فهرست منابع

1. قرآن کریم.
2. آلوسی، محمود (1415ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، محقق: علی عبد الباری، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول.
3. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور (بی تا)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، تصحیح جامعه مدرسین، قم: موسسه نشر اسلامی.
4. ابن عابدین، محمد امین (1386ق)، رد المحتار، بیروت: دارالعلم.
5. ابن منظور (1408ق)، لسان العرب، به کوشش علی شیری، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ اول.
6. ابن نجیم، زین الدین (1418ق)، البحر الرائق، به کوشش زکریا عمیرات، بیروت: دارالعلم.
7. ابوالسعود، محمد (بی تا)، تفسیر (ارشاد العقل السلیم)، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
8. اسدی، علی (1389)، «مفهوم شناسی و مصادیق احسان در قرآن»، فصلنامه معرفت اخلاقی، شماره 4، تهران.
9. امین، سیده نصرت (1361)، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران: انتشارات نهضت زنان مسلمان.
10. باردن، لورنس (1375)، تحلیل محتوا، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
11. بی پرویش، مانفرد (1374)، زبان شناسی جدید، ترجمه محمدرضاباطنی، تهران: نشر آگاه.
12. بیضاوی، عبدالله (1416ق)، انوار التنزیل، به کوشش عبدالقادر عرفات حسونه، بیروت: دارالمعرفه.
13. خمینی، روح الله (1390ق)، تحریر الوسیله، تهران: مؤسسه حفظ و نشر آثار امام خمینی.
14. دمیاطی، ابوبکر (بی تا)، اعانة الطالبین، بیروت: دار الفکر.
15. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (1412ق)، المفردات فی غریب القرآن، تصحیح صفوان عدنان داودی، بیروت: دار العلم.
16. شعیری، حمیدرضا (1388)، مبانی معناشناسی نوین، تهران: سمت.
17. شهید اول، محمد (1412ق)، الدروس الشرعیة، قم: مکتبه بصیرتی.
18. شهید ثانی، زین الدین بن علی (1413ق)، مسالک الافهام، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
19. شیخ انصاری، مرتضی (1309ق)، الطهارة، بیروت: دارالمعرفه.

20. صاحب جواهر، محمد حسن (1394ق)، جواهر الکلام، به کوشش محمود قوچانی، تهران: نشر راه حق.
21. صفوی، کوروش (1382)، معنی شناسی کاربردی، تهران: همشهری.
22. طباطبایی، سید محمد حسین (1417ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
23. طوسی، محمد (1387ق)، المبسوط، به کوشش محمد تقی کشفی، تهران: میزان حکمت
24. عبد الوهاب، (1382ق)، شرح کلمات امیر المؤمنین (ع) به همراه شرح مائة کلمة ابن میثم، به کوشش جلال الدین محدث، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
25. عسکری، ابوهلال (1412ق)، معجم الفروق اللغویة، قم: انتشارات اسلامی.
26. علامه حلی، حسن بن یوسف (1410ق)، ارشاد الاذهان، به کوشش فارس حسون، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
27. علامه حلی، حسن بن یوسف (1412ق)، مختلف الشیعة، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
28. غسان، احمد عبدالرحمان (۱۴۲۵ق)، محبه الله و رسوله فی الکتاب و السنه، بیروت: دارالعلم.
29. فخر المحققین، محمد (1387ق)، ایضاح الفوائد، به کوشش حسین موسوی کرمانی و دیگران، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
30. قرآنی، محسن (1385)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس های از قرآن کریم.
31. قرشی، علی اکبر (1371)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
32. کرکی، علی (1408ق)، جامع المقاصد، به کوشش مؤسسه آل البيت (ع)، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
33. کلینی، محمد بن یعقوب (1388ق)، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: دارالکتب الاسلامیة.
34. کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان (1381)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: انتشارات توتیا، چاپ ششم.
35. مترجمان، (1377ش)، تفسیر هدایت، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
36. مجلسی، محمد باقر (1403ق)، بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمة الاطهار، بیروت: دارالمعرفه.
37. مصطفایی، محمد؛ غروی نائینی، نهله (1389)، «مفهوم شناسی احسان در قرآن کریم»، تحقیقات قرآن و حدیث، سال هفتم، شماره اول.
38. مفید، محمد بن محمد (1414ق)، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. بیروت: دار المفید.
39. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (1403ق)، مجمع الفائدة و البرهان، به کوشش اشتهااردی و عراقی و یزدی، تهران: المكتبة الجعفریة لإحياء الآثار الجعفریة.
40. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا)، زبدة البیان فی احکام القرآن، به کوشش محمد باقر بهبودی، تهران: المكتبة الجعفریة لإحياء الآثار الجعفریة.
41. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (1375ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیة، چاپ دوازدهم.
42. نووی، یحی (1405ق)، المجموع، بیروت: دار الفکر.
43. Adler, Alfred, (1956), *the individual psychology of Alfred Adler*, newyork: basic books inc. American heriage Dic.
44. Heidegger, Martin, (1962), *Being and Time*, translate by J.Macquarrie & E.S Robinson, Harper, New York.



45. Quinn, Philip, (2000), *How Chirstianity Secures Lifes Meaning, in The Meaning of Life in the World Religions*, e.d Runzo & Matin, Oxford.